


Strategies for improving the moral status of society from the perspective of the Holy Quran


Mahmoud Sarafraz

Qom Seminary, Qom, Iran (Corresponding author).
m_sarafraz111@yahoo.com

 0009-0005-8048-4141


Mohammadhadi Mansouri

University of Education, Qom, Iran.
mansouri@maaref.ac.ir

 0000-0003-0475-7476

Ghurban Ahangari Kiasari

Researcher of Imam Sadiq (peace be upon him) Institute of Islamic Sciences,
Tehran, Iran.
ghkiasari@gmail.com

 0009-0008-7773-5175

Abstract

Improving the moral condition of the society in order to achieve happiness is one of the concerns of divine leaders, and holy books, especially the Holy Quran, have instructions and plans for this matter. On the other hand, the enemies have tried to destroy the moral infrastructure of the Islamic society with the aim of dominating and looting the human societies, through countercultures and promoting moral abnormalities. In today's age, this invasion is all-out and more intense. Based on this, the Supreme Leader of Hamare has emphasized on intelligently facing the cultural invasion. The present article tries to find the strategies for improving the moral situation of the society with the descriptive-analytical method and express the strategies based on those methods. The findings of the research indicate that the verses of the Holy Qur'an have four strategies for improving and strengthening the cognitive, behavioral and behavioral dimensions of society; Consolidation of the family, revision and revision of laws and strengthening of public supervision are discovered and solutions are presented to improve the level of vision, tendency and moral action of the society.

Keywords: Moral status, Strategy to strengthen public supervision, Discourse creation, Sacred identity of the family Meritocracy.

راهبردهای بهبود وضعیت اخلاقی جامعه از منظر قرآن کریم

محمود سرافراز

دانش‌آموخته سطح حوزه ۴ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

m_sarafraz111@yahoo.com

0009-0005-8048-4141

محمدهادی منصوری

استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران.

mansouri@maaref.ac.ir

0000-0003-0475-7476

قربان آهنگری کیاسری

پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

ghkiasari@gmail.com

0009-0008-7773-5175

چکیده

بهبود وضعیت اخلاقی جامعه به جهت نیل به سعادت، از دغدغه‌های رهبران الهی بوده و کتب آسمانی به‌ویژه قرآن کریم، برای این مهم دستورالعمل‌ها و برنامه‌هایی دارد. درمقابل، دشمنان با هدف سلطه و غارت جوامع بشری، از طریق ضدفرهنگ‌ها و ترویج ناپهنجارهای اخلاقی، جهت تخریب زیرساخت‌های اخلاقی جامعه اسلامی کوشیده‌اند. در عصر حاضر، این تهاجم همه‌جانبه و با شدت بیشتری در حال انجام است. بر همین اساس مقام معظم رهبری همواره بر مواجهه هوشمندانه با تهاجم فرهنگی تأکید نموده است. نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی تلاش دارد راهبردهای بهبود وضعیت اخلاقی جامعه را اصطیاد و مبتنی بر آن راهکارها را بیان نماید. یافته‌های پژوهش حاکی است از آیات قرآن کریم چهار راهبرد اصلاح و تقویت ابعاد شناختی گرایشی و رفتاری جامعه؛ تحکیم خانواده، اصلاح و بازنگری قوانین و تقویت نظارت عمومی کشف می‌شود و راهکارهایی جهت ارتقاء سطح بینش، گرایش و کنش اخلاقی جامعه ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: بهبود وضعیت اخلاقی، راهبرد تقویت نظارت عمومی، گفتمان‌سازی، هویت قدسی خانواده، شایسته‌سالاری.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0

doi 10.22034/SCS.2023.378403.1396

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

انسان به‌طور فطری گرایش به رفتارهای پسندیده و فضیلت‌های اخلاقی دارد و بر فطرت الهی و سلیم‌النفس آفریده شده است. همچنین کمال‌طلبی و دستیابی به سعادت‌مندی و خوشبختی در اعلی درجه آن نیز از آمال و آرزوها و مطلوب فطری انسان است. دستیابی به این مطلوب مهم و نیل به سعادت حقیقی بدون داشتن اخلاق الهی و زندگی سالم امکان‌پذیر نیست. مباحث اخلاقی بخش قابل‌توجهی از معارف قرآن را تشکیل داده به‌گونه‌ای که خداوند آن را یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیاء معرفی کرده است.

از طرفی عوامل و انگیزه‌های فساد و انحراف در عصر ما از هر زمانی بیشتر است؛ اخلاق و فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انسانی به‌شدت و بیش از همیشه مورد تهدید و هجوم قرار گرفته است و جامعه از آسیب‌های اخلاقی در حوزه‌های مختلف رنج می‌برد. تهاجم و جنگی که علیه اخلاق و ارزش‌های اسلامی به راه افتاده، هجومی برنامه‌ریزی‌شده و بر اساس نقشه راه دقیقی صورت گرفته و مرحله‌به‌مرحله و بسیار نرم و هوشمندانه، زیرساخت‌های اخلاقی جامعه اسلامی را هدف قرار داده است. بدیهی است مقابله با چنین حمله‌ای سازوکار خاص خود را دارد و برنامه و راهبرد و نقشه راه منطقی، جامع و دقیقی می‌طلبد.

بر این اساس ضرورت دارد با تهیه الگو، نقشه راه و برنامه‌ای علمی و دقیق، این حمله را دفع و رفع نماییم و مسیر جامعه را به سمت جامعه مطلوب تغییر داده و وضعیت اخلاقی جامعه را بهبود بخشیم. این ظرفیت و توان در قرآن به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی و آموزه‌های اسلامی به‌عنوان کامل‌ترین ادیان الهی وجود داشته و بهترین الگو و نسخه برای ارتقاء اخلاق و ارزش‌های انسانی و اسلامی همانی است که از دل آموزه‌های قرآن و اسلام برمی‌آید. در این پژوهش برآنیم راهبردهای بهبود وضعیت اخلاقی جامعه را از منظر قرآن کریم ارائه نماییم.

۱. اهداف و پرسش‌ها

برای بهبود وضعیت، راهبردهای اساسی مورد نیاز باید تبیین و تعیین شود. راهبردها با توجه به رسالت، چشم‌انداز، اهداف و سیاست‌های کلی، حرکت‌دهنده توانایی‌ها و تعیین‌کننده راه‌های رسیدن از وضع موجود به وضعیت مطلوب می‌باشند. هدف این پژوهش ارائه نقشه راه بهبود وضعیت اخلاقی جامعه است.

بر این اساس سؤال اصلی تحقیق «چیستی راهبردهای بهبود وضعیت اخلاقی جامعه از منظر قرآن کریم است؛ و اینکه راهکارهای اجرایی شدن این راهبردها کدامند؟» در پاسخ این پرسش‌ها چهار راهبرد اصلی از منظر قرآن به دست می‌آید که عبارت‌اند از: اصلاح و تقویت ابعاد شناختی، گرایشی و رفتاری جامعه، تحکیم خانواده، اصلاح و بازنگری در قوانین و تقویت نظارت عمومی؛ و ذیل هریک از این راهبردها، برخی راه کارهای مهم ارائه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

مباحث اخلاقی، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ بشر و نبوت انبیاء الهی دارد که تکلیف‌شان اصلاح اندیشه و اخلاق و دستگیری از بشر برای رسیدن به کمال حقیقی بود؛ و در این زمینه تا کنون کتاب، پایان‌نامه و مقالات فراوانی با عناوین مختلف به نگارش درآمده و تلاش فراوانی صورت پذیرفته است. در موضوع و عنوان پژوهش پیش‌رو، آثار متعددی نزدیک به این عنوان و با موضوع اصلاح و تربیت اخلاقی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۲-۱. کتاب‌ها

- «اخلاق در قرآن»، نوشته حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی: این کتاب که برگرفته از تفسیر نمونه می‌باشد در سه جلد تألیف شده است. در جلد اول فلسفه اخلاق، مکاتب اخلاقی، اهمیت اخلاق و اصول و روش‌های مختلف در اخلاق بحث شده است. در دو جلد دیگر به فضائل و رذائل اخلاقی پرداخته شده است.
- «اخلاق در قرآن» نوشته حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی: این کتاب در زمینه اخلاق قرآنی در سه بخش اخلاق الهی، فردی و اجتماعی تنظیم شده است. همچنین به اختصار روش‌های تربیت اخلاقی در آن مطرح شده است.
- «مبایدهای اخلاق در قرآن و مراحل اخلاق در قرآن»، نوشته حضرت آیت‌الله جوادی آملی: این دو کتاب در سلسله مباحث تفسیر موضوعی قرآن است که در بخش مبایدهای بیشتر فلسفه اخلاق و علم اخلاق بحث شده است و در مراحل اخلاق، بیشتر مباحث صبغه عرفانی و سیر و سلوکی دارد.
- «روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان»، نوشته حجت‌الاسلام دکتر سیداحمد فقیهی: این کتاب را با هدف ارائه الگوی تربیت اخلاقی در تفسیر ارزشمند المیزان به نگارش درآمده و در آن روش‌های تربیت اخلاقی در سه گروه شناختی،

گرایش و عملی دسته‌بندی و بررسی شده است.

«تربیت اجتماعی خانواده و شاخص‌های آن»، نوشته حجج‌الاسلام دکتر ابوالفضل ساجدی و غلام حیدر کوشا: در این کتاب روش‌های تربیت اجتماعی در چهار مرحله سنی کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی مطرح و شاخص‌های آن ارائه شده است.

۲-۲. پایان‌نامه

«راہبرد تربیت اخلاقی در قرآن»، تألیف حجت‌الاسلام دکتر محمد عالم‌زاده نوری: در این پایان‌نامه با هدف کشف راهبرد تربیت اخلاقی قرآن، در چهار فصل پس از بیان کلیات، رویکردهای تربیتی، توصیه‌های اخلاقی مرتبط با راهبرد و شیوه‌های دست‌یابی به این راهبرد ارائه شده است.

«نقش و اهمیت الگوها در تربیت و پرورش نسل جوان از دیدگاه اسلام»، محسن میرطالبی: در این پایان‌نامه به ارائه الگوهای تربیتی، آشنایی با اهمیت الگو در تربیت، نقش اولیاء در ارائه الگو، نظرهای بزرگان دین و ارائه الگوی عملی و بیان ویژگی‌های انسان نمونه در تربیت از نگاه اسلام پرداخته شده است.

«نقش الگوهای قرآنی در تربیت انسان»، بحرالدین حلیمی: در این پایان‌نامه، به اختصار به شیوه الگوسازی قرآن اشاره شده و در ادامه نقش الگوهای قرآنی را در قالب سه فصل در زمینه‌های اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی پیوسته یادآور می‌شود.

«الگوهای تربیتی قرآن»، سیدمحمد حسینی‌نژاد: این پایان‌نامه در چهار فصل به کلیات و مفاهیم محوری، تجسم الگوهای قرآنی، مردان نمونه و زنان نمونه پرداخته و در ضمن آن به جنبه‌های الگویی و نکات آموزنده پرداخته است.

۳-۲. مقالات

«روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها»، علی فلاح ربیع، دو فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۳۳-۵۷.

«راہبردهای تربیتی از دیدگاه قرآن»، نبی‌الله صدری‌فر، سیدابوالقاسم موسوی، دو فصلنامه اخلاق و حیانی، شماره چهارم، سال اول، تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۶۰-۱۲۱.

«جامعه اخلاقی، انسان اخلاقی»، ملکیان، مصطفی، ماهنامه آیین، اردیبهشت و

خرداد ۱۳۸۷ - شماره سیزده و چهارده، صفحه ۲۱-۱۷.

- «مفهوم عمل صالح در نظام اخلاقی قرآن»، نویسنده: سیدحسین محمدجعفری، مترجم: مینا اسکویی، فصلنامه سفینه، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۸۸، صفحه ۸۷-۷۵.

- «ارکان و پایه های اخلاقی جامعه مطلوب انسانی از منظر علامه طباطبایی»، سیدمهدی سلطانی رنای، فصلنامه کوثر، شماره بیست و نهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صفحه ۲۷-۱۳.

- «جامعه مطلوب از منظر قرآن کریم»، نرگس انتظامی بیان، فصلنامه فرهنگ اسلامی، شماره بیست و سوم، خرداد ۱۳۹۴، صفحه ۱۱۸-۸۱.

- «ویژگی های جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، اکبر علیخانی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره پنجم، تابستان ۱۳۷۷، صفحه ۴۴-۲۸.

اگرچه شباهت ها و اشتراکاتی در موضوع و محتوا در برخی آثار وجود دارد؛ اما تاآنجاکه نویسنده فحص و جستجو نمود: اولاً، کتاب، پایان نامه و یا مقاله ای با عنوان طراحی الگوی بهبود وضعیت اخلاقی به نگارش در نیامده است و این پژوهش کار نو و تازه ای است؛ ثانیاً، بر اساس شیوه نگارش این رساله و به صورت جامع کاری صورت نگرفته و الگویی ارائه نشده است؛ ثالثاً، نگاه آنها به اصلاح جامعه غالباً فردی بوده و مطالب تنها بر محور فردی ارائه شده اند؛ اما نگاه این پژوهش به فرد و جامعه، توجه داشته و با این نگاه، الگوی قرآنی برای بهبود وضعیت اخلاقی جامعه ارائه شده است.

۳. مفهوم شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۱. راهبرد (استراتژی) رتال جامع علوم انسانی

ریشه واژه «استراتژی» واژه یونانی «استراتژیا» (Strategia) به معنای «فرماندهی و رهبری» است. معنای استراتژی عبارت است از یک طرح عملیاتی به منظور هماهنگی و سازمان دهی اقدامات برای دستیابی به هدف

<https://www.vajehyab.com/wiki/%D8%A7%9D%9A%1B/>

(%D8%A7%9D%9A%1B/).

استراتژی (strategy) یا راهبرد عبارت است از: ۱ - نقشه و هدایت عملیات جنگی.

۲ - نقشه، ترفند، راهبرد (فره). ۳ - هر طرح درازمدت برای هدفی خاص: استراتژی

اقتصادی، استراتژی نظامی (فرهنگ فارسی معین). در این پژوهش منظور از راهبرد الگو، نقشه راه و برنامه‌ای علمی و دقیق برای رسیدن به هدف مطلوب است.

۳-۲. اخلاق

واژه اخلاق، جمع «خُلُق» و «خُلُق» و به معانی طبیعت، سرشت و سجّیه به کار رفته است، اعمّ از اینکه سجّیه و سرشتی پسندیده باشد یا زشت و ناپسند باشد. لغت‌شناسان عموماً آن را با واژه «خُلُق» هم‌ریشه دانسته‌اند. وقتی گفته می‌شود فلان شخص خُلُق زیبایی دارد، یعنی نیرو و سرشت یا صفت معنوی و باطنی زیبا دارد. در مقابل، هنگامی که می‌گویند فلان کس خُلُق زیبایی دارد، به معنای آن است که دارای آفرینش و ظاهری زیبا و اندامی سازگار است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ص. ۱۹۴).

رایج‌ترین و شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در بین اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی، عبارت است از صفات و هیئت‌های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب با آنها به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص. ۲۰).

اخلاق، از دیدگاه اسلام، افزون بر آنکه در کنار اعتقادات و احکام فقهی، به منزله یکی از سه پایه اساسی معارف دینی مطرح است، راه زندگی درست و خداپسندانه و شیوه صحیح حرکت به سوی کمال نهایی و ارتباط با خدای متعال را تعلیم می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص. ۳۸). موضوع اخلاق اعم از ملکات اخلاقی است و همه کارهای ارزشی انسان را که متّصف به خوب و بد می‌شوند و می‌توانند برای نفس انسانی کمالی را فراهم آورند یا موجب پیدایش رذیلت و نقصی در نفس شوند، دربرمی‌گیرد و همگی آنها در قلمرو اخلاق قرار می‌گیرند و در نتیجه می‌توان گفت که اخلاق شامل همه ملکات، حالات نفسانی و افعالی که رنگ ارزشی داشته باشند، می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۲۴۰).

۳-۳. جامعه

«جامعه» اسم فاعل از ریشه «جمع» به معنای گردآورنده، فراهم‌آورنده، حوزه، حلقه (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص. ۷۳۹۸)، توده مردمی که با هم وجه اشتراک دارند (معین، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۵).

در اصطلاح جامعه‌شناسی، جامعه مجموعه‌ای از افراد انسانی‌اند که با نظام‌ها و

سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند. به عبارت دیگر؛ جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در اثر جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها، در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، صص. ۱۷-۱۸).

۴. راهبردها

۴-۱. راهبرد اصلاح و تقویت ابعاد شناختی، گرایشی و رفتاری جامعه

یکی از راهبردهای بهبود وضعیت اخلاقی جامعه، اصلاح و تقویت ساحت‌های سه‌گانه شناختی، گرایشی و رفتاری آن است که با تقویت این ابعاد، نیل به مؤلفه‌های جامعه اخلاقی مطلوب میسر خواهد شد. نمونه‌ای از چنین اصلاحی در زمان ظهور پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مشاهده می‌شود.

بنابر آیات قرآن، روایات و مستندات تاریخی، یکی از سیاه‌ترین دوران تاریخ حجاز، دوران جاهلیت، است (سیدجوادی؛ خرمشاهی و کامران فانی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۸۱). واژه جاهلیت چهار بار در قرآن به کار رفته که در هر چهار مورد همراه با ملامت و نکوهش است (آل عمران / آیه ۱۵۴؛ مائده / آیه ۵۰؛ احزاب / آیه ۳۳؛ فتح / آیه ۲۶) بت‌پرستی، زنده‌به‌گور کردن دختران، شراب‌خواری، فحشا، تجاوز، جنگ و خونریزی، تعصب و تقلید کورکورانه، فخرفروشی و تبعیض، قماربازی، رباخواری، خوردن گوشت خوک، خون و مردگان، خرافات (ر.ک: سبحانی، ۱۳۷۶؛ کلبی، ۱۳۶۴) ازدواج‌های نابجا و نامتعارف (ر.ک: نوری، ۱۳۶۰).

بررسی دوران صدر اسلام نشان می‌دهد پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مواجهه با قومی که چنین نگرشی به زندگی و عالم انسانی داشتند و این ناهنجاری‌ها و رفتارهای وحشیانه و ضد انسانی را افتخار و ارزش می‌دانستند، در ابتدا به اصلاح ابعاد شناختی و گرایشی و رفتاری آن روی آوردند؛ بنابراین اولین راهبرد در جهت بهبود وضعیت اخلاقی جامعه در سه بُعد معرفتی و شناختی، گرایشی و رفتاری است. اجرای راهبرد اصلاح و تقویت ابعاد شناختی، گرایشی و رفتاری جامعه، مستلزم ارائه راهکارهایی است. برخی راهکارهای پیشنهادی در این رابطه عبارت‌اند از:

۴-۱-۱. راهکارهای شناختی

منظور از حوزه شناخت، باورها، ارزش‌ها و اطلاعات درباره هدف شناخته‌شده به وسیله فرد است. در واقع باورها و اعتقادات جامعه، نوعی ضمانت اجرایی آداب و

مقررات و رعایت اخلاقیات در جامعه است. تقویت باورها به عمل به آموزه‌های اخلاقی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی می‌انجامد و سستی در اعتقادات بی‌توجهی به اخلاق و ارزش‌ها را در پی داشته و تأثیر شگرفی بر اصلاح و بهسازی جامعه دارد. از این‌رو باید باورها، ارزش‌ها و آگاهی‌ها اصلاح و تقویت شود.

یکی از مهم‌ترین مواردی که باعث تقویت باورهای اساسی و مرتبط با اصلاح اخلاق جامعه است، شناخت و معرفت خداست که اساس تمام اندیشه‌های اسلامی است و نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در افکار و رفتار انسان‌ها و مسیر رشد و تعالی و اصلاح جامعه دارد. شناخت به اینکه خدای واجب الوجودی که بی‌نیاز از همه مخلوقات خویش است و درمقابل، تمامی مخلوقات وابسته و نیازمند به اویند (فاطر / آیه ۱۵) خدایی که تمام موجودات عالم هستی را آفریده است (حجر / آیه ۹۹) و امور آنها را تدبیر می‌کند (یونس / آیه ۳).

توجه به خدا و صفات او ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که جامع‌ترین برنامه مصون از هر گونه خطا، به‌منظور رشد و پیشرفت و تکامل انسان، از آن خدای حکیم است که آفریدگار و حاکم مطلق بر انسان‌هاست و برنامه زندگی سعادت‌مندان را در قالب وحی و از طریق پیامبران، به انسان‌ها ابلاغ کرده است؛ بنابراین شناخت خدای متعال انسان را به‌سوی سعادت‌مندی و بهبود وضعیت اخلاقی فردی و اجتماعی رهنمون می‌سازد.

پس از شناخت خالق، شناخت انسان در اولویت قرار دارد، چراکه انسان موضوع اصلاح و تربیت و بهبود اخلاق است و تا جایی مهم است که نتیجه شناخت انسان شناخت پروردگار است. «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص. ۱۰۲).

در قرآن کریم حقیقت انسان، با عنوان خلیفه‌الله ذکر شده است. انسان خلیفه خداوند روی زمین است و مهم‌ترین ویژگی هر خلیفه‌ای نیز آن است که با مستخلف خود نسبت وثیق و آشکار داشته باشد، از همین روست که تمام صفات درونی و نیک بشر را به منبع لایزال آن و کمال و منتهای این صفات یعنی خداوند منتهی و متصل می‌دانند. رسیدن به این منتهای و سرچشمه یعنی خداوند و تشبّه به او که به قرب الهی تعبیر می‌شود، هدف محوری خلقت بشر است. هدف آفرینش و غرض از خلقت انسان این است که او به‌وسیله افعال خود رضای خدای متعال را کسب کند و به درگاه احدیت تقرب یابد و به کمال حقیقی خود نایل آید. چنین است که انسان با

شناخت خویش و هدف از خلقت خویش و قدم نهادن در مسیر قرب الهی زمینه اصلاح فردی و اجتماعی خویش را فراهم می‌کند.

پس از شناخت خدای متعال و انسان، شناخت معاد راهکاری عملی جهت بهبود وضعیت اخلاقی فردی و جوامع به‌شمار می‌رود، حدود یک‌سوم از آیات قرآن کریم، پیرامون مسائل معاد و قیامت است که بیانگر اهمیت اصل معاد است. پیامبران در واقع دو مأموریت داشتند و موظف بودند که مردم را به دو حقیقت معتقد کنند: یکی مبدأ (خدا) و دیگری معاد (قیامت): «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون / آیه ۱۱۵).

اسلام، اعتقاد به معاد را یکی از ارکان حیاتی انسان طبیعی نشان می‌دهد که هیكل انسان حقیقی بدون آن مانند تنی است بی روح که مبدأ هر سعادت و فضیلت انسانی را از دست داده باشد. انسان طبیعی، با شعور فطری خود معاد را اثبات می‌کند و در نتیجه خودش را دارای یک حیات جاوید می‌بیند که باید تنها با تعقل که موهبت اختصاصی انسانیت می‌باشد، زندگی کرده و لحظه‌ای از لوازم این واقع‌بینی خود غفلت نکند؛ نه مانند یک فرد مادی بی خبر از مبدأ و معاد، که منطقی جز منطق مشترک حیوانی نداشته و آرزویی جز تسلط بر لذایذ مادی در دل خود نمی‌پروراند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۱۳۱).

این واقع‌بینی و طرز تفکر، احساسات درونی و رفتار انسان را تعدیل کرده و آن را با خطمشی معقولی که با هدف نهایی سازگار است متناسب می‌سازد. به عبارت دیگر معادباوری، انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان را تنظیم و تصحیح می‌کند و نقش سازنده‌ای در اصلاح، تربیت و پرورش انسان‌ها و هدفمندی زندگی آنان دارد.

افزون بر شناخت حق تعالی و انسان و معاد، توجه به موانع شناخت نیز دارای اهمیت است. هرچند که همگان از عقل و ابزارهای شناختی برخوردارند و فطرت الهی ایشان را در مسیر شناخت درست و منطقی قرار می‌دهد؛ اما همواره معرفت و شناخت با موانعی روبه‌روست. برخی از مهم‌ترین موانعی که در قرآن کریم بدان‌ها اشاره شده عبارت‌اند از: هواوهوس که مانع درک صحیح حقایق است^۱، کبر و خودپرستی که مانند پرده‌ای تعقل و تفکر انسان را می‌پوشاند و اجازه فهم و درک و

۱. «وَإِنْ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ و چه بسیار افرادی که بدون علم و از روی هواوهوس‌های خود موجب

گمراهی می‌شوند» (انعام / آیه ۱۱۹).

شناخت حق را از او سلب می‌کند^۱، ظن و گمان^۲، عناد و جدال با حق^۳، حس‌گرایی^۴، تقلید کورکورانه^۵.

۴-۱-۲. راهکارهای گرایشی

یکی از موضوع‌های مهم و مورد بحث روان‌شناسی، «رفتار»^۶ است به طوری که برخی علم روان‌شناسی را رفتارشناسی نامیده‌اند؛ زیرا، در این علم، رفتار موجود زنده عموماً و رفتار انسان خصوصاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. در هر موجود زنده دو خاصیت اساسی «ادراک» و «حرکت ارادی» وجود دارد. در انسان نیز به‌عنوان موجود زنده، این دو خاصیت به‌صورت گسترده‌تر، پیچیده‌تر و عمیق‌تر وجود دارد؛ یکی دستگاه ادراک و دیگری دستگاه اراده. در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که به «بینش» تعبیر می‌شود و در اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد که به «گرایش» تعریف می‌شود. این دو عامل اساسی، یعنی «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌شود (برنگیه، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۱۴۱).

بنابراین، شناخت به تنهایی نمی‌تواند رفتاری را ایجاد کند، چه بسا انسان می‌داند

۱. «وَ إِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بَعْدَآبِ أَلْمِيمِ؛ و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوش‌هایش سنگین است! او را به عذابی دردناک بشارت ده» (لقمان / آیه ۷).

۲. «وَ إِن تَطْعُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِن يُتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِن هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ؛ اگر از اکثر مردم روی زمین اطاعت کنی ترا از راه خدا گمراه می‌کنند، آنان جز از ظن و گمان پیروی نمی‌کنند» (لقمان / آیه ۱۱۶).

۳. «يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَ هُمْ يُنظَرُونَ؛ آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می‌کردند؛ (و چنان ترس و وحشت آنها را فرا گرفته بود، که) گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند، و آن را با چشم خود می‌نگرند» (انفال / آیه ۶).

۴. گرایش عملی افراطی به ادراک‌های حسی که به‌جای بهره‌برداری ایزاری از دانسته‌های حسی و وسیله قرارداد آن برای دستیابی به مراحل بالای اندیشه و معرفت، دو آفتی است که مانع از درک صحیح حقیقت، اندیشیدن می‌شود. مانند قوم بنی‌اسرائیل که از حضرت موسی (علیه‌السلام) خواستند که خدا را چشم ببینند: «وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً؛ (و نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛ مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!» (بقره / آیه ۵۵).

۵. «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ؛ بلکه آنها می‌گویند: ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته‌ایم» (زخرف / آیه ۲۲).

که رفتاری مفید است ولی برخلاف آن عمل می‌کند؛ بنابراین رفتارها تنها معلول ادراک و شناخت نیستند. علاوه بر شناخت، نیروی دیگری به نام انگیزش و هیجانات وجود دارد که عامل آن احساسات و عواطف است. واژه «انگیزش» به‌عنوان فرایندی که موجب برانگیختگی، هدایت و احیای رفتار می‌شود، تعریف شده است. رفتار انسان در کلیه قالب‌ها از نقطه نظر روانی، تحت تأثیر نظام انگیزشی است.

بعد گرایشی انسان قابل تغییر و ارتقاء می‌باشد و برخی راهکارها در ایجاد انگیزه و تقویت این بعد تأثیر داشته و می‌تواند بعد روحی و معنوی انسان و جنبه‌های ارزشی و اخلاقی او را بهبود و ارتقاء بخشد. از راهکارهای تقویت انگیزش و گرایش در انسان است، چراکه عواطف را تحریک نموده و انسان را از کجی و پلیدی به سوی راستی و درستکاری می‌کشاند.

در قرآن بخش‌های بسیاری از دستورها و یادآوری‌های خداوند و حتی رخدادهای اجتماعی به منزله مؤظله معرفی شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید» (نحل / آیه ۹۰).

آگاه‌سازی از آثار و پیامدهای اخلاق و رفتار انسانی، هنگام مؤظله یکی از شیوه‌های اصلاح و تربیت است که هم در قرآن و هم روایات بر آن تأکید شده است. چنان‌که خداوند به پیامبر فرمان می‌دهد در پاسخ به پرسش از خوردن شراب و بازی قمار، سود و زیانش را بیان نماید و بگوید که زیانشان بیشتر است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ؛ درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافی (از نظر مادی) برای مردم دربردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از ما زاد نیازمندی خود. اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید» (بقره / آیه ۲۳۲).

امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) نیز یکی از شیوه‌های مفید برای تربیت فرزندانشان را روش بیان پیامد رفتار می‌دانند (ر.ک: فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۱۳۷). بعد تربیتی ذکر پیامد رفتار، سبب ایجاد علاقه در جهت رسیدن به نتایج مطلوب

و دوری از نتایج نامطلوب می‌شود که خود از ماندگاری و تغییرناپذیری اثر وضعی رفتار متأثر است (ر.ک: موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۶۴۴)؛ بنابراین یادآوری پیامدها، بی‌شک در ایجاد انگیزه و گرایش و واکنش افراد به اقدامات شایسته و رفتارهای درست تأثیرگذار خواهد بود.

افزون بر مؤعظه، از جمله راهکارهای پیشنهادی در ایجاد انگیزه برای اصلاح و تربیت، انذار و تبشیر است؛ شماری از آیات قرآن انذار و تبشیر را دو عامل عمده برای ارشاد پیامبران برشمرده‌اند. این دو شیوه انگیزشی از چنان اهمیتی برخوردارند که گاه در قرآن به‌عنوان ویژگی‌های جایگزین برای اصل مقام نبوت تلقی شده است: «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ ما پیامبران را، جز (به‌عنوان) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، نمی‌فرستیم» (انعام / آیه ۴۸).

انذار به معنای آگاه ساختن از چیزی همراه با خوف و ترس است. به‌گونه‌ای که آگاهی سبب خوف، ترس و دوری از چیزی گردد. انذار در اصطلاح مفسران ترساندن از نتیجه و عاقبت چیزی پیش از وقوع و سررسیدن آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۱۲۷). در اصطلاح قرآنی تبشیر به معنای خبر دادن به چیز مسرت‌بخش می‌باشد. از این رو واژه بشارت درباره اخبار به خیر به‌کار می‌رود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص. ۲۲۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص. ۳۵۷). استاد مطهری در تبیین دو واژه انذار و تبشیر، می‌گوید از لحاظ انگیزشی، بین انذار و تبشیر تفاوت وجود دارد. تبشیر مانند یک عامل جذب و جلب‌کننده (قائد) است که مردم را به کسب پاداش فرا می‌خواند؛ اما انذار یک عامل سوق‌دهنده (سائق) است که در عین آنکه مردم را بیم می‌دهد تا از کیفر اجتناب کنند، آن‌ها را به صراط مستقیم رهنمون می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۶، ص. ۱۵۴).

در روش و راهکار انذار، قرآن فرایندی را پیش‌بینی می‌کند که محور آن خانواده است که بیانگر اهمیت خانواده را در اصلاح و بهبود وضعیت جامعه نشان می‌دهد. در این سازوکار نخست با انذار خانواده زمینه اصلاح و هدایت افراد (مدثر / آیه ۲؛ شعراء / آیه ۲۱۴) و در گام دوم با استفاده از ظرفیتی که در محیط خانواده و خویشاوندی به‌دست آمده است، اصلاح جامعه فراهم می‌آید (انعام / آیه ۹۲؛ شوری / آیه ۷) این موضوع با کنار هم گذاشتن آیات انذار به‌دست می‌آید.

بهره‌گیری از تبشیر و تشویق نیز از بهترین راهکارهای ایجاد انگیزه و رغبت در

فرد و جامعه است. هیچ‌چیز به اندازه تشویق صحیح و به‌جا و به اندازه افراد جامعه را به تلاش و درستکاری بر نمی‌انگیزد؛ زیرا انسان به مقتضای فطرتش که عشق و گرایش به کمال مطلق و انزجار از نقص است، میل به کمالات و نیکویی و تشویق و قدردانی دارد.

امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) در این باره به مالک اشتر چنین سفارش می‌کند: «وَ وَاَصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَ تَعْدِيدِ مَا اُبْلِيَ ذُووُ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ اَفْعَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ التَّائِلَ اِنْ شَاءَ اللهُ؛ آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یادکردن کارهای نیک آنان، دلیرشان را [به کوشش و حرکت بیشتر] برانگیزاند و ضعیف و سست را به خواست خدا [به کار و تلاش] ترغیب می‌کند» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص. ۴۳۴).

تشویق و تبشیر هم برای انجام کار ایجاد انگیزه می‌کند و هم برای تداوم و تکرار آن. این راهکار می‌تواند از طریق بیان آثار دنیوی اعمال و یا بیان پاداش‌های اعمال در آخرت صورت پذیرد؛ بنابراین انذار و بشارت‌دهی و تشویق از مهم‌ترین راهکارهای اصلاح‌گری و بهینه‌سازی رفتارهای اجتماعی است. با برجسته‌کردن ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی، رفتارهای شایسته و تشویق هدفمند شایستگان جامعه، درستکاران به تداوم رفتار درست ترغیب می‌شود و هم نااهلان از رفتار نادرست خود مأیوس و متنفر گشته و درصدد اصلاح خود برخواهند آمد.

۳-۱-۴. راهکارهای رفتاری

چنان‌که گفته شد اصلاح جامعه، مستلزم اصلاح و تقویت ساحت‌های سه‌گانه شناختی، گرایشی و رفتاری جامعه است که در واقع لایه‌های سازنده اخلاق جامعه هستند. از این‌رو راهکارهای اصلاح در این راهبرد نیز باید ناظر به این سه حوزه باشد؛ بنابراین به همراه راهکارهای معرفتی و شناختی، انگیزشی و گرایشی، ضروری است راهکارهای رفتاری نیز مورد توجه قرار گیرد، ترویج و گسترش اعمال عبادی به خصوص اقامه و برپایی نماز یکی از راهکارهای عملی و رفتاری است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. چراکه اقامه نماز معنایی بالاتر از نماز خواندن فردی دارد و به معنای زنده کردن، زنده‌نگه‌داشتن، و ارزش بخشیدن به نماز در جامعه و در بین مردم است؛ به عبارت دیگر نماز در فرهنگ وحی الهی ستون دین است؛ از این‌رو صیانت آن

به «اقامه» تعبیر می‌شود؛ زیرا ستون، برپاداشتنی است، نه خواندنی (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص. ۱۱۰)؛ لذا از منظر مقام معظم رهبری «برپاداشتن نماز آن است که انسان با کوششی بایسته، فضای زندگی خود و دیگران را فضایی نمازگزارانه یعنی خداجویانه و خدایپرستانه سازد و همه را در خط و جهت نماز به راه افکند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲، ص. ۸).

نماز روح ایمان و اعتقاد به مبدأ و معاد را در انسان تقویت می‌کند، حضور خداوند را به انسان یادآور می‌شود و وسیله پرورش فضیلت‌های اخلاقی و تکامل معنوی انسان است. اوقات معین و هماهنگی در آداب، حرکات و جزئیات نماز، روح نظم و انضباط فردی و اجتماعی را در انسان تقویت می‌کند. توجه به مولا و آفریدگار قادر متعال، آتش طغیان و سرکشی و کبر را در انسان فرونشاند و از معصیت‌ها بازمی‌دارد. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ وَنَمَازٌ رَا بَرِیَادَر، که نماز(انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد» (عنکبوت / آیه ۴۵). این بازدارندگی بسته به رعایت شرایط نماز و کیفیت اقامه آن، دارای مراتب است. هرچه روح نماز بیشتر بر زندگی افراد جامعه حاکم باشد، این اثرگذاری قوی‌تر خواهد بود. دومین راهکار رفتاری جهت بهبود وضعیت اخلاقی فردی و اجتماعی توصیه به صبر و پایداری است، تکرار و تأکید بر صبر در آیات قرآن و آموزه‌های روایی حاکی از اهمیت آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است.

آموزه‌های دینی صبر را با بیان‌های گوناگون منحصراً به سه قسم می‌داند. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عَلَى الْمُصِیْبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الْمَعْصِیَةِ؛ صبر بر سه نوع است: صبر در هنگام معصیت و صبر بر طاعت و صبر در مقابل گناه» (شعیری، بی‌تا، ص. ۱۱۶).

صبر در زندگی دنیایی انسان آثار متفاوتی دارد که مهم‌ترین آنها موفقیت و رستگاری و فرجام نیک است. امام علی (علیه‌السلام) صبر را ضامن پیروزی می‌داند: «الصَّبْرُ كَفِیْلٌ بِالطَّقَرِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۸۳) و می‌فرماید: حلاوت پیروزی، تلخی صبر و طولانی شدن دستیابی بدان را جبران می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۲۸۴). هیچ جامعه‌ای بدون تحمل مشکلات، به رشد و تعالی نمی‌رسد، از این رو خداوند یکی از عوامل مهم استقرار و پیشرفت جامعه را پایداری افراد در برابر سختی‌ها و ناملایمات می‌داند.

رعایت نظم و انضباط فردی و اجتماعی سومین راهکار عملی و رفتاری است که

می‌توان با عمل به آن فرد و جامعه را به‌سوی آرامش و رضایتمندی پیش برد. اهمیت نظم در کارهای فردی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. در منابع دینی نیز بر لزوم توجه به نظم و انضباط تأکید شده است. اساس خلقت بر نظم و حساب و اندازه استوار است (قمر / آیه ۴۹).

پیشوایان معصوم، به نظم در کارها بسیار اهمیت می‌دادند و دیگران را به تقسیم اوقات شبانه‌روز خود سفارش می‌کردند. «اجْتَهِدُوا أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِلَّهِ لِمُنَاجَاتِهِ وَ سَاعَةً لِلأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الإِخْوَانِ التَّقَاتِ وَ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عُبُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ وَ بِهِذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ السَّاعَاتِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص. ۳۴۶).

رعایت نظم و انضباط در زندگی فردی و اجتماعی از لوازم مهم رشد و تعالی جامعه و از ویژگی‌های جامعه مطلوب است. اساساً زندگی و حیات طیبه بدون نظم فردی و اجتماعی معنا ندارد و چنان‌چه فرد در مسائل مختلف فردی برنامه منظم نداشته باشد به نتیجه مطلوب دست نخواهد یافت.

اهمیت حاکمیت نظم بر امور، در مسائل اجتماعی بسیار بیشتر از امور فردی است. نظم باعث مدیریت صحیح زمان، استفاده بهینه از امکانات، بهره‌وری بیشتر، رعایت بیشتر و بهتر قوانین و مقررات، آرامش، رضایتمندی و توفیق بیشتر و... در امور گوناگون فردی و اجتماعی می‌شود؛ از این رو جامعه‌ای که به دنبال رشد و تعالی و خوشبختی است، ناگزیر از رعایت نظم در همه عرصه‌هاست.

از راهکارهای رفتاری و عملی دیگری که تأثیر بسزایی در رشد و تعالی اخلاقی جامعه دارد، رعایت حقوق است. اسلام توجه ویژه‌ای به رعایت حقوق دارد و مراعات حقوق مردم در ابعاد مختلف و احترام به جان و مال و آبروی آنان از شایسته‌های اساسی یک جامعه اسلامی است؛ به‌گونه‌ای که بزرگ‌ترین آیه قرآن کریم مربوط به مسائل حقوقی است (بقره / آیه ۲۸۲). آیاتی با موضوع تشریح حق قصاص (بقره / آیات ۱۷۹-۱۷۸)، امر به ادای حقوق مالی افراد مختلف (اسراء / آیه ۲۶)، امر به ادای امانت‌ها (نساء / آیه ۴)، امر و دعوت به رعایت قراردادهای (مائده / آیه ۱)، نهی از اکل مال به باطل (استفاده و تصرف در مال بدون حق و مجوز صحیح و عقلانی) (نساء / آیه ۲۹)، نهی از تصرف در مال یتیم (نساء / آیه ۲)، نهی از کم‌فروشی (مطففین / آیات ۱-۳)، نهی از بدگمانی، غیبت و تجسس (حجرات / آیه ۱۲)، عیب‌جویی و تمسخر (حجرات / آیه ۱۱) و... در جهت رعایت حقوق مردم و نهادینه کردن اخلاق

در روابط اجتماعی بین آنهاست. حقوق بخش مهم و قابل توجهی از آموزه‌های دینی را به خود اختصاص داده و رساله‌ها و کتاب‌های فراوانی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که بیانگر اهمیت و نقش و تأثیر ویژه آن در اصلاح رفتار و دستیابی به زندگی مطلوب فردی و اجتماعی دارد (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۶۱۸؛ سپهری، ۱۳۷۲).

در نهایت اهتمام به گسترش و ترویج ارزش‌های اخلاقی نیز راهکاری عملی در جهت بهبود وضعیت اخلاقی جامعه است. از آنجایی که خاتم پیامبران، هدف بعثت خویش را اتمام مکارم اخلاق برشمرد: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص. ۷۰). اهتمام به نشر فضایل اخلاقی و رفتارهای ارزشی از سیاست‌های اصولی و اساسی جامعه مطلوب اسلامی است.

تواضع و فروتنی (مائده / آیه ۵۴؛ عفو و مدارا (نور / آیه ۲۲)؛ توجه به مظلومان (انفال / آیه ۷۲)؛ دستگیری از نیازمندان (رعد / آیه ۲۲) مهرورزی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا أَشْتَكَى عَضُوٌّ مِنْهُ تَدَاعَى سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحُمَى وَ السَّهْرِ؛ مؤمنان در مقام مهربانی و عطوفت به یکدیگر، همانند یک پیکرند. وقتی عضوی از این گروه بیمار شود، دیگر اعضا در تب داری و شب بیداری با او همراهی می‌کنند» (پاینده، ۱۳۸۲، ص. ۳۸۲)؛ رعایت احترام پدر و مادر (اسراء / آیه ۲۳)؛ تکریم بزرگان و سالمندان «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ...؛ پیران و مشایخ خود را احترام کنید و به کودکان رحم کنید و صلح‌رحم به جای آورید...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص. ۲۹۵) و... از رفتارهای اسلامی، ارزشی و انسانی هستند که در صورت نهادینه شدن در اجتماع، موجب قوام، همدلی، صمیمیت، اصلاح رفتار و بهبود وضعیت اخلاقی جامعه گشته و زمینه‌ساز زندگی مطلوب و حیات طیبه خواهد بود.

توصیه‌ها و تأکیدهای فراوانی که در آموزه‌های دینی بر این ارزش‌ها وجود دارد، نشان از اهمیت و تأثیر آنها بر کیفیت و مطلوبیت زندگی انسان دارد.

۴-۲. راهبرد تحکیم خانواده و تسهیل ازدواج

خانواده کوچک‌ترین و اولین واحد اجتماعی و اساس تشکیل جوامع بزرگ‌تر است. خانواده از نهادهای اصیل و کانون‌های بسیار اثرگذار جامعه است که صلاح و فساد آن تأثیر مستقیمی در صلاح و فساد جامعه دارد. آموزه‌های دینی برای ازدواج و

تشکیل خانواده ارزش و اهمیت زیادی قائل شده است. بر این اساس اسلام هم بر تشکیل این نهاد و هم بر تحکیم آن تأکید فوق‌العاده‌ای داشته و تلاش نموده است که این نهاد تأثیرگذار با نگاه الهی جان گرفته و با همین نگاه تداوم یابد.

در فرهنگ اسلامی خانواده تنها برای اشباع و ارضاء غرایز و تکثیر اولاد نیست بلکه پاسخ به ندای فطرت است؛ زیرا آفرینش انسان به‌گونه‌ای است که در سایه ازدواج و تشکیل خانواده آرامش و سکون می‌یابد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم / آیه ۲۱) و در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» او خدایی است که شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید» (اعراف / آیه ۱۸۹).

تصریح قرآن کریم به نقش‌آفرینی ازدواج و تشکیل خانواده در سلامت، سکون و آرامش انسان نیز به دلیل ظرفیت و توان‌آثرگذاری ویژه‌ای است که خانواده می‌تواند در جامعه ایفا کند؛ زیرا خانواده و جامعه آن‌چنان به هم وابسته‌اند که فرایندهای اساسی اجتماعی بدون حضور خانواده، شکل واقعی خود را پیدا نخواهد کرد و هرگونه تغییر وضعیتی در جامعه تا اندازه زیادی به نهاد خانواده بستگی دارد. هم‌چنان که که تشکیل خانواده پایه و اساس آرامش فردی و اجتماعی و مایه تسکین جامعه است، پایه و ریشه اولیه نابسامانی‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری را نیز باید در خانواده جستجو کرد؛ جامعه‌ای که ارزش‌ها در خانواده‌های آن متزلزل گردد، ارزش‌های اخلاقی در آن جامعه دچار سستی و تزلزل خواهد شد. بر همین اساس طراحان و برنامه‌ریزان تهاجم فرهنگی و جنگ نرم برای تخریب این نهاد تأثیرگذار به‌صورت ویژه سرمایه‌گذاری کرده و ارزش‌های خانواده را آماج حملات نرم خود قرار داده‌اند. از این‌رو تحکیم خانواده و تسهیل ازدواج را باید مهم‌ترین راهبرد الگوی بهبود وضعیت اخلاقی جامعه برشمرد.

اسلام در باب تشکیل خانواده، بر جنبه معنوی این نهاد الهی تأکید کرده و ازدواج را یکی از سگوه‌های کمال معنوی برشمرده است. امام صادق (علیه‌السلام)

می فرماید: «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيَهَا غَيْرُ مُتَزَوِّجٍ؛ دو رکعت نماز که شخص متأهل می خواند از هفتاد رکعت نمازی که مرد بی‌زن می خواند برتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص. ۲۱۹).

با توجه به اهمیت تشکیل خانواده در فرهنگ ایرانی - اسلامی و تأکیدهای فراوان در آموزه‌های دینی، لازم است به مقوله ازدواج توجه جدی و برنامه‌ریزی اساسی صورت گیرد و به‌طور قطع در این رابطه مسئولیت تنها متوجه نظام و دولت اسلامی نیست بلکه والدین و جامعه اسلامی نیز نسبت به تشکیل خانواده و تسهیل ازدواج مسئولیت دارند.

۴-۲-۱. مسئولیت دولت اسلامی

بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین گام‌های رشد جامعه، تلاش در جهت تسهیل تشکیل خانواده است. از این‌رو نظام اسلامی هم که در خدمت رشد و صلاح جامعه می‌باشد، وظیفه‌ای مهم در این زمینه بر عهده دارد. بر همین اساس در قانون اساسی که برگرفته از آموزه‌های دینی است می‌خوانیم:

«از آنجاکه خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی، برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل دهم).

در روایتی آمده است که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أُتِيَ بِرَجُلٍ عَبَثٍ بَدَّرَهُ فَضْرَبَ يَدَهُ حَتَّى احْمَرَّتْ ثُمَّ زَوَّجَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ؛ مردی را به خدمت امیرمؤمنان (علیه‌السلام) آوردند که استمناء کرده بود، حضرت او را تعزیر کرد و سپس امر فرمود تا با هزینه بیت‌المال او را داماد کنند» (حرع‌عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص. ۳۶۳).

از این روایت به روشنی استفاده می‌شود که در صورت ضرورت می‌توان از بیت‌المال در جهت تشکیل خانواده در جامعه اسلامی بهره گرفت و این وظیفه دولت اسلامی است که جهت رفع زمینه‌های گناه باید انجام دهد. این مسئله از قرآن کریم نیز قابل استفاده است: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنَكُمُ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را

بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است» (نور / آیه ۳۲). این‌گونه خطاب قرآنی که متوجه جامعه است، در حقیقت خطاب به حکومت است؛ زیرا حکومت تجلی‌بخش آرمان‌های جامعه است. امری که در حال حاضر مورد غفلت واقع شده و حداکثر مساعدت دولت برای تسهیل ازدواج، تخصیص یک فقره وام ناچیز به زوجین است و متأسفانه قشر عظیم جوانان وجه‌المصالحه جدال‌های سیاسی گشته که ثمره آن وجود بیش از یازده میلیون جوانی است که از سن ازدواج عبور کرده و در معرض انواع آسیب‌های روحی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی‌اند (ر.ک: مسعودی، قابل دسترسی در: <http://www.isna.ir/news/95082919909>) مسئله‌ای که مقام معظم رهبری نیز نسبت به آن ابراز نگرانی کرده و فرمودند: «مسئله ازدواج جوان‌ها مسئله مهمی است. من از این بیم دارم که نگاه بی‌تفاوت نسبت به مسئله ازدواج - که متأسفانه امروز کم‌وبیش این نگاه بی‌تفاوت وجود دارد - در آینده تبعات سختی را برای کشور به وجود بیاورد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۴/۲۰: <http://farsi.khamenei.ir/speech-> (content?id=30255

۴-۲-۲. مسئولیت جامعه

بی‌تردید یکی از مصادیق مهم «برّ و تقوا» امر ازدواج است و خطاب آیه شریفه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید» (مائده / آیه ۲) شامل این مسئله نیز می‌گردد و جامعه اسلامی در این زمینه مسئولیت پیدا می‌کند. قرآن کریم «شفاعت حسنه» و واسطه‌گری نیکو برای امور خیر و پسندیده را تحسین می‌نماید: «مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا؛ کسی که شفاعت [تشویق و کمک] به کار نیکی کند، نصیبی از آن برای او خواهد بود» (نساء / آیه ۸۵)؛ و به‌طور قطع تلاش در جهت تشکیل خانواده برای مؤمنان از مصادیق بارز «شفاعت حسنه» است چنان‌که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) بهترین واسطه‌گری و شفاعت را وساطت بین دو نفر در امر نکاح بیان نموده و می‌فرماید: «أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا؛ بهترین وساطت‌ها آن است که بین دو نفر در امر نکاح وساطت کنی تا خداوند میان آنها جمع خانواده تشکیل دهد» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۹۶). همچنین امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ زَوَّجَ أَعْرَابًا، كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ کسی که مرد بی‌زن یا زن بی‌شوهر را به ازدواج

درآورد از کسانی است که در قیامت خداوند به او نظر لطف خواهد داشت» (حرعاملی، ۱۴۱۸ق، ص. ۳۲۳).

۴-۲-۳. مسئولیت والدین

تزییح فرزندان یکی از حقوق فرزندان است و با توجه به اهمیت ازدواج، پدر و مادر نقش و وظیفه ویژه‌ای در این زمینه دارند و پدر وظیفه دارد در حد توان خود زمینه‌های ازدواج فرزند خود را فراهم آورد و او را در انتخاب همسر شایسته و تشکیل خانواده یاری کنند و اگر در صورت توان کوتاهی کند، به وظیفه خود عمل نکرده است، مگر اینکه در پیشگاه خداوند عذری داشته باشد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدَةِ ثَلَاثَةٌ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَ يُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ؛ از جمله حقوق فرزند بر پدر، سه چیز است: اسم نیکو برای او انتخاب کند؛ کتاب و نوشتن به او بیاموزد، و هنگامی که بالغ شد، برای او همسر بگیرد» (فتاوی نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۳۶۹).

رهبر فرزانه انقلاب در دیدار دانشجویان، این وظیفه الهی را یادآور شده و به والدین توصیه می‌کند تا به ازدواج جوانان اهمیت داده و نسبت به آن سختگیری نکنند (خامنیه‌ای، ۱۳۹۴/۴/۲۰: قابِل دسترس‌ی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30255>).

بنابراین لازم است در نگرش ما به امر ازدواج بازنگری صورت پذیرد و به‌عنوان یک راهبرد اساسی اسلامی و قرآنی در نقشه راه و الگوی سلامت، بهبود و سامان‌دهی وضعیت اخلاقی جامعه بدان توجه شود و تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده به‌عنوان راهبردهای ملی و اساسی مورد توجه قرار گیرد.

طبیعتاً اجرای این راهبردها بدون ارائه راهکار امکان‌پذیر نیست. مهم‌ترین راهکار، راهکارهایی جهت تشکیل و تحکیم خانواده است، همچون ایجاد تسهیلات و امکانات برای ازدواج، تشویق به ازدواج آگاهانه، ساده، بهنگام و پایدار مبتنی بر ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی و سنت‌های ملی، آموزش جهت ارتقای مهارت‌های زندگی، طراحی و پیاده‌سازی الگوی خانواده و سبک زندگی اسلامی - ایرانی بر اساس آگاهی و علم، مبانی و ارزش‌ها، اخلاق، احکام و آموزه‌های اسلامی و گسترش و تعمیق مودت، محبت و رحمت بین اعضای خانواده، حمایت از سالمندان و تأمین و ارتقای بهداشت جسمی و روانی و کیفیت زندگی سالمندان در خانواده و جامعه و تعلیم، تکریم و تأمین سلامت جسمی و روحی، امنیت و حقوق همه‌جانبه کودکان و نوجوانان. همچنین تبیین هویت

قدسی نظام خانواده و نقش آن در کمال آفرینی که با استفاده از ظرفیت‌های عظیم رسانه‌ای همچون فضای مجازی، استفاده از ظرفیت‌های مراکز آموزشی یا مساجد و مراکز دینی و مذهبی انجام این مهم امکان‌پذیر است. علاوه بر این با پیشگیری، مقابله و درمان آسیب‌ها و چالش‌های خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر نگرش دینی و ملی و التزام و اهتمام به حفظ و تعالی جایگاه خانواده در کلیه سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و قانون‌گذاری‌ها و در تمامی نظام‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی می‌توان به امنیت و سلامت و تعالی خانواده ارتقاء بخشید.

۳-۴. راهبرد بازنگری و اصلاح قوانین

بی‌شک خلأها و کاستی‌های فراوانی در قوانین کشور وجود دارد و برخی ساختارهای قانونی خود فسادزا هستند. اصلاح و تدوین قوانین و مقررات مناسب از عوامل مهم و تأثیرگذار در سلامت جامعه است. موقعیت اسلام و قوانین آن در کشور ما، یک موقعیت فرانهادی است؛ از این‌رو همه نهادهای اجتماعی، بدون استثناء باید مضمون، جهت‌گیری، هدف، وظایف و مأموریت خود را منطبق با قوانین و مقررات شرعی یا مورد تأیید و امضای شرع سامان داده و در همسویی کامل با آن عمل کنند یا دست‌کم با اوامر و نواهی صریح و خط قرمزهای آن مخالفت نکنند، چنان‌که در قانون اساسی نیز به این ضرورت تصریح شده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است (قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل چهارم).

ارتباط و تأثیر قوانین و ساختارهای فرهنگی، اجتماعی بر وضعیت اخلاقی جامعه، ضرورت بازنگری و اصلاح در این قوانین و مقررات را روشن می‌سازد. برخی از راهکارهای مهم و اساسی که به نظر می‌رسد می‌تواند به این راهبرد جامه عمل بپوشاند عبارت‌اند از:

۳-۱. بازنگری و اصلاح در مقدمات قانون‌گذاری‌ها

بر این اساس بازنگری و بروزرسانی در انجام برخی اقدامات از نهادهای تقنینی مانند مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان انتظار می‌رود:

۱. شناسایی خطوط عام و اصول و بنیادهای اصلی شریعت،

۲. شناسایی اهداف خرد و کلان شارع از تشریح احکام اجتماعی،
۳. شناخت قواعد فقهی و اقتضائات زمان و مکان،
۴. شناسایی نیازها و ضرورت‌های جامعه اسلامی،
۵. شناسایی خلأهای قانونی برای تأمین نیازهای الگویی جامعه،
۶. شناسایی و رفع تعارضات محتمل در میان قوانین موجود،
۷. شناسایی زمینه‌ها و موانع فرهنگی و اجتماعی اجرای قوانین مصوب،
۸. تصویب قوانین لازم متناسب با مصالح جمعی در مسائل نوپدید،
۹. ...

در همین راستا استفاده از نظرها و دیدگاه‌های مراکز علمی مانند حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مشارکت واقعی نخبگان فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و... ضروری و راه‌گشاست.

۴-۳-۲. بازنگری و اصلاح در قوانین حقوقی، جزایی و کیفری

تجربه سال‌ها فعالیت‌های قضایی و حقوقی در کشور نشان داده است که برخی قوانین حقوقی، جزایی و کیفری از بازدارندگی کافی برخوردار نبوده و خلأها و کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد. از سوی دیگر در گسترش عدالت و اجرای قانون نیز توفیق قابل قبولی بدست نیاورده‌ایم و جامعه از انواع تبعیض و بی‌عدالتی رنج می‌برد.

تبعیض و عدم اجرای صحیح عدالت، اعمال شدید قوانین و عدم انعطاف در مقابل افراد عادی، وجود حاشیه امن برای آفازاده‌ها و منتسبین به کانون‌های قدرت و ثروت، فرارهای قانونی، عدم اجرای قانون یا نبود آن، اطلاع دادرسی و اجرای قانون و... از جمله مشکلات حقوقی و قضایی که دامن‌گیر جامعه گشته و وضعیت بسیار ناهنجاری ایجاد نموده است. بی‌عدالتی، تبعیض، فقر، یأس و ناامیدی، گسترش فساد و بی‌بندوباری، بی‌اعتمادی جامعه به نظام اسلامی و... از آثار سوء، مخرب و گاه جبران‌ناپذیر این معضلات بر جامعه است. اصلاحات ضروری و مورد نیاز در این حوزه را می‌توان در سه محور کلی خلاصه کرد:

- ۱- اصلاح و بازنگری و بروزرسانی در محتوای قوانین، شکل و آیین رسیدگی،
- ۲- رعایت عدالت، عدم تبعیض و اصلاح در نحوه محاکمه و رفتار با متهم و اجرای حکم،
- ۳- قاطعیت در مجازات و اجرای قانون، که بر اساس آن نه شدت مجازات بلکه اطمینان جامعه از اجرای آن باید مد نظر باشد.

۳-۳-۴. شفاف‌سازی

یکی از عواملی که از انواع بی‌عدالتی‌ها و اقسام مختلف فسادها در فرایندهای مختلف مدیریت، اجرا و اداره کشور و فرار از قانون جلوگیری می‌کند، صراحت و شفافیت است. شفاف بودن امور و مسائل در حکومت و مدیریت از جمله کلیدی‌ترین سیاست‌هاست؛ زیرا به‌طور عمده تباهی و خلاف‌کاری آنجا پیدا می‌شود و رشد می‌کند که امور و موضوعات از دید مردم و اداره‌شوندگان پنهان بماند. مدیریت‌های پشت‌پرده بسترساز نادرستی، خلاف‌کاری و ظلم است. شفاف‌سازی تا حد زیادی مانع از اقدامات خلاف قانون و بیرون از آن، روابط پنهان قدرت‌طلبانه و منفعت‌جویانه، معاملات سایه‌ای که قابل حسابرسی و پیگرد قانونی نیست، می‌گردد.

چنانچه سازوکار اداره امور به‌گونه‌ای تنظیم شود که همه چیز شفاف باشد و به محض ظهور خلاف و تباهی آشکارسازی و آگاه‌سازی شود و حتی در صورت گمان ستمی، مسائل آشکارا و بی‌پرده در میان گذاشته شود، مطالبه عمومی صورت پذیرفته و بساط بسیاری از تبعیض‌ها و ویژه‌خواری‌ها برچیده می‌شود.

امیرمؤمنان (علیه‌السلام) بنای حکومت را بر صراحت و روشنی و شفاف‌سازی می‌داند، چنان‌که در آغاز حکومت خویش در سخنی با مردم، روش حکومت‌داری و مدیریت خود را چنین بیان می‌فرماید: «وَاللَّهِ مَا كُنْتُ وَشَمَّةً وَلَا كَذْبَةً كَذِبْتُهُ؛ به خدا سوگند هرگز به اندازه سر سوزنی حقیقت را پنهان نداشته‌ام و هیچ‌گونه دروغی نگفته‌ام» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۶، ص. ۵۷).

سبک مدیریت ایشان شفاف و به دور از هرگونه ناراستی، پنهان‌کاری، دروغ‌گویی و فریب‌کاری بود. امام (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّا لَكُمُ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِرَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ وَلَا أَطْوِي دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ وَلَا أُوخِّرُ لَكُمْ حَقًّا عَنْ مَحَلِّهِ وَلَا أَقِفُ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ وَ أَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً؛ هان بدانید حق شما بر من است که چیزی را از شما جز اسرار جنگ پنهان ندارم، و کاری بی‌مشورت شما مگر در احکام الهی انجام ندهم، و هیچ حقی از شما را از موضعش به تأخیر نیندازم، و تا آن را به جایش نرسانم باز نایستم، و اینکه همه شما نسبت به حق نزد من مساوی باشید» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۰، ص. ۴۲۴).

شفاف‌سازی از جهات گوناگون موجب کارایی نظام اسلامی و مدیریت اجرایی جامعه می‌شود و اولین گام پیشگیری و مبارزه با مفاسد اقتصادی و شرط لازم سلامت

اقتصادی است. شفاف‌سازی امور با جلوگیری از تبعیض‌ها، رانت‌خواری‌ها و ویژه‌خواری‌ها سبب افزایش اعتماد شهروندان به کارگزاران و رهبران جامعه می‌گردد. همچنین موجب می‌شود کارگزاران نظام مراقب رفتار و اعمال خود باشند؛ چراکه باید در برابر مردم پاسخ‌گو باشند. از دیگر سو، نخبگان جامعه با آگاهی از روند امور به بررسی و نقد برنامه‌ها پرداخته، در اصلاح آنها ایفای نقش می‌نمایند.

۴-۳-۴. شایسته‌سالاری

برای تحقق جامعه اخلاقی مطلوب و دستیابی به حیات طیبه، باید مدیران، کارگزاران و کارکنان خرد و کلان، از توانایی و شایستگی‌های لازم برای انجام‌دادن کارها برخوردار باشند. این شرایط و ویژگی‌ها شامل دانش، مهارت و اعتقادات و باورهای کارکنان می‌شود؛ به عبارت دیگر تعهد همراه با تخصص. اداره امور به‌دست افراد ناشایسته، جامعه را در حوزه‌های مختلف اداری، اجرایی، آموزشی، فرهنگی دچار آسیب‌های بزرگی خواهد کرد.

طبق آیات قرآن کریم زمانی که حضرت یوسف (علیه‌السلام) از زندان آزاد شد و عزیز مصر درصدد واگذاری مسئولیتی به او گردید، خطاب به او گفت: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف / آیه ۵۵). حضرت یوسف (علیه‌السلام) دلیل پذیرش مسئولیت اقتصادی کشور مصر را توانایی اداره امور بیان می‌کند؛ زیرا او هم «حفیظ» است و هم «علیم»؛ هم امانت‌دار و متعهد است و هم آگاهی و تخصص کافی در این زمینه دارد.

سیره عملی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) رعایت شایستگی و اهلیت در واگذاری و مسئولیت بوده است. در روایتی پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُهُ بِغَضَبِهِ وَ حَسَنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ؛ رهبری و امامت امت صالح نیست مگر برای کسی که از سه ویژگی برخوردار باشد: پارسایی که او را از معصیت باز دارد؛ بردباری که بتواند با آن خشمش را کنترل کند و مدیریت نیکو بر مجموعه زیر پوشش مدیریتش داشته باشد تا برای آنان همانند پدری مهربان باشد» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص. ۳۴۸). این ویژگی‌ها در حقیقت شرط‌های اساسی برای هر گزینشی است که در صورت عمل به این نسخه

بسیاری از فسادهای اداری و اجرایی و آسیب‌های اخلاقی و رفتاری از بین خواهد رفت. از منظر آموزه‌های اسلامی حکومت و مسئولیت امانت است و زمامداران امانت‌داران مردم‌اند. امام علی (علیه‌السلام) در نامه‌ای خطاب به استاندار آذربایجان می‌فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ...» حکمرانی برای تو طعمه نیست، بلکه امانتی است بر عهده‌ات، و از تو خواسته‌اند» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵، ص. ۳۶۶). از دیدگاه اسلام و از مصادیق مهم امانت‌داری این است که کارها به کاردانان و شایستگان سپرده شود که در غیر این صورت باب همه ستم‌ها گشوده می‌شود.

خدای متعال فرمان داده است که امانت‌ها به اهلش سپرده شود: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید» (نساء / آیه ۵۸) و چنان‌که از ظاهر آیه برمی‌آید مفهوم امانات در اینجا عام است و همه امانات را دربرمی‌گیرد؛ و البته از مهم‌ترین امانات، رهبری و پیشوایی و کارگزاری خلق است. مدیریت مردم امانتی است سنگین که باید به اهلش سپرده شود؛ بنابراین شایسته‌سالاری از شرایط لازم اصلاح ساختاری در جامعه است و جز با اداره امور جامعه به‌دست افراد شایسته، اهداف متعالی و مطلوب محقق نمی‌شود.

۴-۴. راهبرد تقویت نظارت عمومی در جامعه

یکی از راهکارهای پیشگیری و ایمن‌سازی جامعه نسبت به انواع مختلف آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مراقبت و نظارت است. در فرهنگ اسلامی و قرآنی از مراقبت و نظارت عمومی با عنوان دو فریضه مهم و کاربردی امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌شود. این جایگاه ویژه به جهت نقش ممتازی است که امر به معروف و نهی از منکر در قوام و دوام و سلامت جامعه ایفا می‌کند. به‌گونه‌ای که قرآن هلاکت و انقراض اقوام پیشین را به سبب فراموش کردن این دو فریضه الهی معرفی کرده، می‌فرماید: «فَلَوْلَا لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ...؛ چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟» (هود / آیه ۱۱۶) که اگر در صدد اصلاح برمی‌آمدند

نابود نمی‌شدند: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ؛ و چنین نبود که پروردگارت آبادی‌ها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلیش در صدد اصلاح بوده باشند» (هود / آیه ۱۱۷). چراکه سنت الهی بر تغییر سرنوشت به‌دست خود انسان‌ها قرار گرفته و از منظر قرآن هیچ حقیقت و واقعیتی در متن زندگی یک ملت به اراده الهی تغییر پیدا نمی‌کند؛ مگر وقتی که خود آن ملت بر آن همت بگمارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد / آیه ۱۱).

نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر به‌رغم برخورداری از پشتوانه نظری مستحکم، ضرورت ساختاری، جایگاه برجسته در منابع و آموزه‌های دینی، موقعیت کانونی در قانون اساسی کشور (اصل هشتم)، مطالبه توده‌ای مؤمنان، اهتمام برخی سازمان‌های دولتی و غیردولتی (مردم نهاد)، تاکنون جز در بخش منکرات، آن هم تنها در برخورد با برخی از مصادیق انحراف همچون بدحجابی و صرفاً توسط برخی سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت همچون گشت ارشاد و نیروی انتظامی جامه عمل به خود نپوشیده است.

اجرای این دو فریضه در سطح مورد انتظار شریعت و متناسب با الگوی ترسیمی آن در آموزه‌های اسلامی، با موانع و مشکلاتی در ناحیه عاملان و مجریان و زمینه‌ها و ظرفیت‌های ساختاری مواجه است و قاعدتاً بدون اقدام در جهت رفع و ترمیم آن‌ها و ارائه راهکارهای لازم، تحقق این مهم غیرممکن نخواهد بود.

۴-۴-۱. آموزش عمومی

امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت عمومی، به‌ویژه در حوزه اخلاق، مقوله‌ای تربیتی است که ظرافت‌ها، شرایط، مراتب و شیوه‌های خاص خود را دارد. بر این اساس اجرای آن در سطح گسترده و عموم جامعه، آموزش‌هایی در همان سطح می‌طلبد. بدیهی است عملی با این ظرافت و اهمیت، بدون آموزش‌های لازم، تبعات و آسیب‌های فراوانی در پی خواهد داشت که گاه ضرر و زیانش بیش از منفعت آن است.

۴-۴-۲. رفع موانع نظارت و امر به معروف و نهی از منکر

در جامعه ما برخی موانع و ضعف‌ها در ناحیه فردی و اجتماعی و ساختاری در مقابل نظارت عمومی وجود دارد که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

۱- موانع و ضعف‌ها در بخش عاملان و مجریان

الف) ضعف آگاهی و دانشی و ابهامات مفهومی (امر، نهی، مأموریه، منهی عنه، موضوع و مصداق امر و نهی، حریم خصوصی و عمومی، شیوه‌های برخورد و...).

ب) ضعف التزام عملی اکثریت (به دلیل ضعف جامعه‌پذیری، ضعف اطلاعات لازم از ماهیت امر و نهی، نوع وظیفه و چگونگی اعمال وظیفه و...).

ج) غلبه فردگرایی و اولویت دادن منافع فردی بر مصالح جمعی.

د) تمایل به اباحی‌گری و غلبه روحیات بی تفاوتی، عافیت‌طلبانه و عدم آمادگی برای تحمل هزینه‌های محتمل ناشی از مشارکت در این امر اجتماعی.

ه) عدم اعتقاد به ولایت متقابل مومنان و آمادگی روحی و تربیتی برای پذیرش تذکارات مشفقانه.

و) وقوع پدیده شکاف میان‌نسلی و کاهش نقش خانواده‌ها در کنترل رفتار فرزندان.

۲- موانع و ضعف‌ها در بخش زمینه‌ای و ظرفیت‌های ساختاری

الف) فقدان یک مرکزیت ستادی منسجم، قوی و هدایت‌گر.

ب) فقدان یا ضعف عزم ملی و اراده جمعی مسئولان نظام و آحاد مردم بر مبارزه قاطع با مفسد و انحرافات.

ج) بی‌توجهی به جایگاه محوری این دو فریضه در شریعت و نقش و کارکرد حیاتی آن در استقرار و استمرار نظام و جامعه اسلامی.

د) فقدان الگوی رفتاری مطلوب و مرجح و قاعده عملی مشخص در برخی سطوح فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اداری و... .

ه) کثرت و شیوع انحرافات تحت تأثیر زمینه‌های داخلی و خارجی و عضویت در جامعه جهانی.

و) از میان رفتن قبح بسیاری از منکرات و ناامیدی به اصلاح وضعیت از طریق تذکر.

ز) نامرئی بودن منبع و منشأ اصلی و عوامل تقویت‌کننده بسیاری از منکرات شایع.

ح) محدود شدن تذکارات به سطوح رفتاری به دلیل داشتن جلوه‌ها و مظاهر آشکار و غفلت از سطوح بینشی و اعتقادی.

ط) پرهیزنه بودن و ریسک بالای امر به معروف و نهی از منکر عمومی در وضعیت کنونی.

ی) عدم حمایت حقوقی تضمین شده و تعریف شده نظام از آمران و ناهیان (ر.ک: شرف‌الدین، قابل دسترسی در: <http://cmir.ir/fa/news/2169>).

۴-۳-۴. گفتمان‌سازی

راهبرد اساسی نظارت عمومی یا امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی کارا و راه‌گشا خواهد بود که فراگیر شده و نظارت و مراقبت عمومی در جامعه نهادینه گردد. این شرط در دیگر راهبردها نیز جاری‌وساری است. نهادینه‌سازی این راهبرد و دیگر راهبردها نیز از طریق گفتمان‌سازی صورت می‌پذیرد. گفتمان را به فضای ذهنی و روانی مسلط و زبان خاصی که مردم در یک دوره خاص با آن سخن می‌گویند، تعریف کرده‌اند (ر. ک: کریمی: ۱۳۹۴/۴/۳، قابل دسترسی در:

<http://www.aftabir.com/articles/view/religion/religion/c7c1209385166p1php>.

امام خامنه‌ای (مدظله) به‌عنوان مُبدع و مؤسس مقولهٔ گفتمان‌سازی در ایران، در تعریف و تبیین چستی گفتمان از تعابیر متعددی بهره گرفته است، مانند: باور عمومی (یک سخن مورد قبول عموم، مورد توجه مردم) (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25696>)؛ مفهوم و معرفت همه‌گیر در یک برهه‌ای از زمان در یک جامعه (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۲۲، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8513>)؛ یک فکر، یک جریان فکری (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۹/۲۱، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741>)؛ یک فکر رایج (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۲۱، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3222>) مثل هواست، همه تنفسش می‌کنند چه بدانند چه ندانند، چه بخواهند چه نخواهند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453>) جریان‌سازی (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۲۲، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8513>)؛ دنبال کردن و پیگیری نمودن و رها نکردن یک مسئله در محیط نخبگانی (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۲/۲۷، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=12488>)؛ شعار، شعاری که بر روحیه مسئولان، دولتمردان و برنامه‌ها پرتو افکند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۲، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3661>)؛ یک فرهنگ (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664>)؛ آنچه که هر شخص، جناح،

حزب و جریانی که سرکار بیاید خود را ناگزیر تسلیم آن گفتمان کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۰، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3257>) و گفتمان‌سازی به معنای فراگیر کردن و عمومیت بخشیدن به یک مفهوم، معرفت و اندیشه در بین مخاطبان است به گونه‌ای که به سبب فضای فکری به وجود آمده، همه در آن فضا فکر می‌کنند و می‌اندیشند، پیرامون آن با یکدیگر حرف می‌زنند و تبادل گفتار و معنا می‌کنند، جهت‌گیری می‌کنند، به آن معتقد می‌شوند و طبق آن رفتار می‌کنند و نسبت به آن مطالبه‌گری می‌کنند و سبب تولد و توسعه دانش‌ها می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۴، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3431>).

قرآن کریم اجرای این اصل را به صورت گسترده از ویژگی‌های امت اسلامی به عنوان «امت برتر» دانسته، می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران / آیه ۱۱۰) و نکته جالب توجه این که دلیل بهترین امت بودن را «امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا» می‌شمرد. جالب‌تر اینکه «امر به معروف و نهی از منکر» را بر «ایمان به خدا» مقدم می‌دارد تا بیانگر این معنی باشد که بدون این دو فریضه، ریشه‌های ایمان به خدا نیز در دل‌ها سُست گشته و پایه‌های آن فرو می‌ریزد و به تعبیر دیگر ایمان به خدا بر آن دو فریضه استوار می‌گردد، همان گونه که اصلاح همه امور جامعه بر آن دو استوار است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۹).

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «انَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَايِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛ امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان و دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض با آن‌ها برپا می‌شوند و به وسیله این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود و حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن زمین آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در پرتو آن همه کارها رو به راه می‌گردد» (کلینی،

۱۴۲۹ ق، ج ۹، صص. ۴۸۳-۴۸۲).

امر به معروف و نهی از منکر، در هر مرتبه بیانگر حساسیت اجتماعی در مقابل اعمال زشت و ناپهنجار است. این حساسیت وقتی به شکل مؤثری ظاهر گردد، راه را بر رواج ناهنجاری‌ها در جامعه می‌بندد. به‌عکس، وقتی جامعه‌ای در مقابل رفتارهای ناپسند، بی‌تفاوتی نشان داده و هیچ‌گونه مخالفتی نشان ندهد یا حساسیت‌ها و موضع‌گیری‌ها ضعیف باشد زمینه ترویج و تثبیت منکرها و ناهنجاری‌ها فراهم می‌گردد و گاه جای معروف و منکر نیز عوض می‌شود؛ اما اگر حساسیت، مراقبت و نظارت عمومی در عرصه‌های مختلف به‌ویژه اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی، به‌صورت گفتمان رایج و مطالبه عمومی جامعه درآید، نیروی بازدارنده عظیمی در جامعه ایجاد می‌شود که تأثیر شگرفی در اصلاح و بهبود وضعیت اخلاقی جامعه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

اصلاح و بهبود وضعیت اخلاقی جامعه نیازمند ترسیم و تبیین راهبردهای اساسی، با توجه به رسالت، چشم‌انداز، اهداف و سیاست‌های کلی است. یکی از این راهبردها، اصلاح و تقویت ساحت‌های سه‌گانه شناختی، گرایشی و رفتاری است که با تقویت این ابعاد، نیل به مؤلفه‌های جامعه اخلاقی مطلوب میسر خواهد شد. پس از آن راهبرد تحکیم خانواده و تسهیل ازدواج مطرح است. که از اساسی‌ترین گام‌های رشد جامعه، تلاش در جهت تسهیل تشکیل خانواده است و نظام اسلامی وظیفه‌ای مهم در این زمینه برعهده دارد.

راهبرد دیگر بازنگری و اصلاح قوانین است. اصلاح و تدوین قوانین و مقررات مناسب از عوامل مهم و تأثیرگذار در سلامت جامعه است. با توجه به موقعیت فرانهادی اسلام و قوانین آن در جامعه اسلامی، همه نهادهای اجتماعی بدون استثنا باید مضمون، جهت‌گیری، هدف، وظایف و مأموریت خود را منطبق با قوانین و مقررات شرعی سامان داده و در همسویی کامل با آن عمل کنند.

راهبرد آخر تقویت نظارت عمومی در جامعه است که در آموزه‌های اسلامی از آن با عنوان دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌شود که ظرافت‌ها، شرایط، مراتب و شیوه‌های خاص خود را دارد و در صورتی کارا و راه‌گشا خواهد بود

که فراگیر شده و به صورت گفتمان در جامعه نهادینه گردد. این پژوهش نیز همچون تمام تلاش‌های انسانی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی دارد؛ به گونه‌ای که ممکن است بررسی و عمیق شدن در برخی جوانب، پژوهشگر را از پرداختن به گستره پهناور جوانب دیگر بازدارد. از این رو پیشنهادهایی جهت پیگیری محققان و اندیشه‌ورزان در راستای اهداف این پژوهش ارائه می‌گردد:

- ۱- بررسی و تحلیل هر یک از راهبردهای ارائه شده به صورت تفصیلی و عمیق در اندازه یک رساله علمی.
- ۲- استخراج و تبیین تفصیلی راه کارهای مربوط به راهبردها و اثبات کارآمدی راه کارها.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا*. تحقیق: مهدی لاجوردی، بی جا: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الأمالی (للسدوق)*. بیروت: اعلمی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*. تحقیق: محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. تحقیق: جمال الدین میر دامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر - دار صادر.
- الإمام علی بن الحسین (علیه السلام) (۱۳۷۶). *الصحیفه السجادیة*. قم: دفتر نشر الیهادی.
- برنگیه، ژان کلود (۱۳۷۵). *گفت وگوهای آزاد با ژان پیاژه*. ترجمه دکتر محمد منصور و پریرخ دادستان، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی ابن سینا.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم))*. تهران: نشر دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. تحقیق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*. تحقیق: احمد قدسی، قم: مرکز نشر اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق). *الفصول المهمه فی أصول الأئمة (تکلمة*

- الوسائل). تحقیق: محمد بن محمدالحسین القائینی، قم: نشر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام).
- حرامعلی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه*. تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲). *از ژرفای نماز*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. چاپ دوم (از دوره جدید)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۹). *ریشه و نشانه‌های سکولاریسم*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۶). *فروغ ابدیت*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سپهری، محمد (۱۳۷۲). *ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد (علیه السلام)*. قم: درالعلم.
- سیدجوادی، احمد؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین و فانی، کامران (۱۳۸۰). *دایرةالمعارف تشیع*. تهران: نشر شهید سعید محبی.
- شریف‌الرضی، محمدحسین (۱۴۱۴ق). *نهج‌البلاغه (للصبحی صالح)*. علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، قم: هجرت.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا). *جامع الأخبار (لشعیری)*. نجف: مطبعة حیدریه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). *بررسی‌های اسلامی*. به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). *مکارم الأخلاق*. قم: نشر شریف رضی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۵ق). *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*. نجف: المكتبة الحیدریه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع‌البحرین*. تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: نشر مرتضوی.

- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین* (ط-
 القديمه)، قم: انتشارات رضی.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- کلبی، هشام بن محمد (۱۳۶۴). *الاصنام*. تحقیق: احمد زکی پاشا، تهران: نشر نو.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*. تحقیق: دارالحديث، قم: دارالحديث.
 مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة الاطهار*. بیروت:
 دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. تهران: شرکت چاپ
 و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *فلسفه اخلاق*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل
 سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و
 ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۹۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإختصاص*. تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و
 محمود محرمی زرندي، قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: انتشارات
 جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- نراقی، ملامهدی (بی تا). *جامع السعادات*. تعلیق و تصحیح: سیدمحمد کلانتر، بیروت:
 مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- نوری، یحیی (۱۳۶۰). *اسلام و عقائد و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام*. تهران: بنیاد
 علمی و اسلامی مدرسه الشهداء.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*،
 تحقیق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

منابع الکترونیکی

- جامع الأحادیث ۳، جامع منابع روایی شیعه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- جامع تفاسیر نور ۲، دربردارنده منابع تفسیری متقدم و متأخر فریقین، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- نور السیره ۲، جامع منابع تاریخ اسلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

References

- Bagheri Kobourq, Ali (1991). Principles and principles of war and strategy, Tehran, International Publishing. (In Persian)
- Berangier, Jean-Claude (1996). Free conversations with Jean Piaget, translated by Dr. Mohammad Mansour and Dr. Parirukh Dadestan, Tehran, Ibn Sina Research Institute Publications. (In Persian)
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998). Dictionary of Dehkhoda, Tehran, Tehran University Press. (In Persian)
- Farsi, Jalaluddin (1984). National strategy, seminar report, Tehran, Office of Political and International Studies. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdullah (2004). Tasnim (interpretation of the Holy Quran), research: Ahmad Qudsi, Qom, Israa. (In Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2002). From the depths of prayer, Tehran, Farhang Islamic Publishing House. (In Persian)
- Makarem Shirazi, Naser (1995). Exemplary interpretation, Tehran, Darul-e-Kitab al-Islamiya. (In Persian)
- Misbah-Yazdi, Mohammad Taqi (2011). Moral philosophy, Tehran, Islamic Propaganda Organization International Publishing. (In Persian)
- Moin, Mohammad (2012). Persian culture, Tehran, Amirkabir. (In Persian)
- Motahari, Morteza (1998). Collection of works, Tehran, Sadra, Tehran, (2). (In Persian)
- Mousavi Hamdani, Seyyed Mohammad Baqer (1995). Translation of Tafsir al-Mizan, Qom, Qom seminary seminary community. (In Persian)
- Naraghi, Mulla Mahdi without date Jame al-Saadat, suspension and correction: Seyyed Mohammad Kalanter, Beirut, Al-Alami Institute. (In Persian)

- Nouri, Yahya (1981). Islam and Human Beliefs or Ignorance and Islam, Tehran, Scientific and Islamic Foundation of Al-Shohda School. (In Persian)
- Rabbani-Golpaigani, Ali (2000). The Root and Signs of Secularism, Tehran, Young Thought Center. (In Persian)
- Seyed Javadi, Ahmed; Bahauddin Khorramshahi and Kamran Fani (2001). Shi'i Encyclopaedia, Tehran: Shahid Saeed Mohebi. (In Persian)
- Shabdini, Mohammad; Mahmoud Sarafaraz & Ali Karimi Khushal (2015). Religious discourses, methods and tools, Qom, Zamzam Hedayat. (In Persian)
- Sharapour, Mahmoud (2009). Urban Sociology, Tehran: Samt. (In Persian)
- Sobhani, Jafar (1997). Farugh Abdit, Qom, Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. (In Persian)
- Sohrabi, Mohammad (2005). Defense strategy in the thought of Imam Khomeini 1, Tehran, Research Institute of Imam Khomeini 1 and Islamic Revolution. (In Persian)
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (2009). Islamic studies, by the efforts of Seyyed Hadi Khosrowshahi, Qom, Bostan Kitab. (In Persian)
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)

